

بررسی اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو اختلافات زیست محیطی

سیامک محمدی^۱ - محمد جواد جعفری^{۲*} - فرید آزاد بخت^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

چکیده:

اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست عموماً از طریق روابط بین‌المللی و ناشی از اختلافات زیست محیطی وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست شده است.

از جمله اصول بسیار مهم محیط زیست ناشی از اختلافات بین‌المللی، شناسایی اصل استفاده غیر زیانبار از سرزمین، پیشگیری، احتیاطی،... هستند که نقش ویژه‌ای در جلوگیری از بروز جنگ و تیرگی روابط در عرصه روابط بین‌المللی داشته است. یکی از علل طرح این اصول صدمه و بروز خسارت فرامرزی غیر قابل جبران به محیط زیست بین‌المللی که حیات بشری را تهدید و متعاقب آن شیوع اختلافات بین‌الدولی است و این موضوع سبب شده که اصول مورد بررسی از حالت نرم خارج شده و از مسیر مراجع حقوقی بین‌المللی غالباً به اصول مهم و قاعده مند تبدیل شود. روش مورد استفاده این پژوهش روشی توصیفی - تحلیلی می باشد.

ما در این مقاله به تبیین و بررسی برخی از مهمترین اصول زیست محیطی که از بطن این اختلافات پا به عرصه حقوق بین‌الملل گذاشته است می پردازیم.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، اسناد، اصول، محیط زیست، مراجع بین‌المللی، اختلافات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

Siamak.mohamadi66@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران: نویسنده مسئول

dr.jafari@iauaksh.ac.ir

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق بین‌الملل و عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

F.azadbakht@iauaksh.ac.ir

مقدمه

اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست، عموماً از طریق روابط مسالمت آمیز بین‌المللی و به وسیله رویه قضایی بین‌المللی وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست شده است. در روابط بین‌المللی، اختلافات امری عادی است که ممکن است از مسائل مختلف ناشی شوند. امروزه یکی از اختلافات رو به افزایش، اختلافات ناشی از محیط زیست بین‌المللی است که حیات بشری را تهدید می‌کند و به همین علت در مواردی به وسیله تضمینات کیفری از محیط زیست حمایت می‌شود. این حوزه مسائل بین‌المللی در عرصه جهانی با خلاء روبروست در نتیجه، با ارجاع اختلافات مزبور به مراجع صالح رسیدگی، این مراجع که عمدتاً حقوقی و الزام آورند، ضمن حل و فصل مسالمت آمیز و جلوگیری از بروز حوادث ناگوار، نقشی مکمل و اعلامی - توسعه‌ای در شناسایی اصول مهم محیط زیستی در روابط بین‌المللی دارند. از جمله اصول بسیار مهم زیست محیطی ناشی از اختلافات بین‌المللی، شناسایی و اعلام اصول استفاده غیرزیان بار از سرزمین، پیشگیری، توسعه پایدار و ... هستند که به صورت عرف در نظم بخشی در روابط و پیشگیری از بروز مخاصمات نقش دارند.

یکی از علل طرح این اصول، توسعه صنعتی و فناوری کشورهای جهان و صدمه و بروز خسارات فرامرزی جبران‌ناپذیر به محیط زیست بین‌المللی و متعاقب آن شیوع اختلافات بین‌الدولی است. این موضوع سبب شده است که اصول مورد بررسی از «حالت نرم»^۱ خارج شده و از مسیر مراجع حقوق بین‌المللی به اصولی مهم و قاعده مند تبدیل شوند. شایان ذکر است که بخش اعظم توجه به مسائل محیط زیستی و شناسایی اصول مزبور مرهون توجه کشورها به راه حل‌های مسالمت آمیز بین‌المللی به جای توسل به زور است که خود وام دار «پیمان پاریس ۱۹۲۸»^۲ و منشور ملل متحد^۳ است؛ بنابراین نقش راه حل‌های مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی و به ویژه دیوان‌های داوری و قضایی بین‌المللی در توسعه و بسط حقوق بین‌الملل محیط زیست بی‌بدیل و انکارناپذیر است. به هر روی، یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی قرن حاضر،

^۱ -Soft Law

^۲ - این پیمان به بریان کلوگ هم موسوم است. موجود در سایت:

<http://www.yale.edu/lawweb/avalon/imt/kbpact.htm>

^۳ - بند ۳ از ماده ۲ منشور ملل متحد اشعار می‌دارد کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با شیوه‌های مسالمت آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتند، حل و فصل خواهند کرد.
بند ۴ از ماده ۲: کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مبیانت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.

بروز و گسترش آلودگی‌های مخرب و فرامرزی و تخریب قابل توجه محیط زیست جهانی است که همچون میراثی گران بهاست، در حدی که علاوه بر اسناد مختلف درباره شناسایی و حتی مسئولیت بین‌المللی کشورها در موارد نقض تعهدات زیست محیطی در برابر ورود زیان و انواع آلودگی‌ها بر کشورهای مجاور مسئله محیط زیست بین‌المللی به درجه‌ای از توجه رسیده است که در چارچوب اصل پیشگیری حتی با ضمانت اجرای کیفری، حمایت شده است. (موسوی، حسینی و موسوی فر، ۱۳۹۴)

در ادامه به تبیین و بررسی برخی از مهمترین اصول زیست محیطی که از بطن این اختلافات پا به عرصه حقوق بین‌الملل گذاشته‌اند و به ترتیب عبارت‌اند از اصل استفاده غیرزیان بار از سرزمین، توسعه پایدار، ضرورت، پیشگیری، احتیاط، ارزیابی و اطلاع رسانی، خواهیم پرداخت.

۱- اصل استفاده غیرزیان بار از سرزمین

این اصل نخستین بار در اختلاف ایالات متحده و کانادا بر سر کارخانه «تریل اسملتر» شناسایی شد و پا به عرصه حقوق بین‌الملل محیط زیست نهاد. بدین ترتیب که در فعالیت کارخانه ذوب فلزات در تریل در حاشیه رودخانه کلمبیا که سرچشمه آن در خاک کانادا بود و در خاک ایالات متحده ادامه می‌یابد و در ۱۰ مایلی شمال مرز بین‌المللی دو کشور واقع شده بود؛ در نتیجه فعالیت‌های ناشی از ذوب فلز و استخراج معدن در سال ۱۹۲۷ به بعد، حجم گسترده‌ای از سولفور در ایالت واشنگتن منتشر شد که به صورت باران‌های اسیدی بر روی زمین‌های کشاورزی و محیط انسانی و شهری ایالت آمریکایی اثرات مخرب فراوانی برجای گذاشت. (موسوی، ۱۳۸۵) به دنبال بروز این وقایع و خسارات پیش آمده، اختلافات بین دو کشور بالا گرفت به طوری که از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۵ ایالات متحده مبادرت به طرح شکایات علیه کانادا نمود و در همان سال ۱۹۲۸ مسئله پس از مذاکره و با توافق طرفین به «کمیسیون مشترک بین‌المللی»^۱ با عضویت کارشناسان دو کشور منجر گردید. با ادامه روند آلودگی‌ها و وارد شدن خسارات جدی‌تر به رودخانه بریتیش کلمبیا در سال ۱۹۳۳، روابط دو کشور به بالاترین سطح تشنج و تیرگی گرایید و ایالات متحده دوباره نسبت به آلودگی محیط زیست توسط کارخانه تریل اسملتر در کانادا اعتراض کرد. در طول این اعتراضات و تشنج در روابط، کنوانسیون با نام «کنوانسیون انتشارات (مواد مرز گذر)» تشکیل و بر تأسیس و ارجاع اختلاف به دیوان داوری مشترک بر مبنای کنوانسیون فوق توافق نمودند. (دادپار، ۱۳۸۹) بنابراین، نخستین دستاورد

^۱- Joint International Commission

حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات زیست‌محیطی دو کشور در صحنه بین‌المللی با توافق بر تشکیل دیوان داوری به ظهور و بروز رسید. در همین راه، دیوان داوری پس از رسیدگی‌های جامع و رجوع به نظام حقوقی ایالات متحده بیان داشته است: «بر طبق اصول حقوق بین‌الملل و همچنین قواعد ایالات متحده، هیچ دولتی حق نخواهد داشت که از سرزمین خود به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده دهد که موجب ورود خسارت توسط ... آن کشور به کشوری دیگر گردد» (ریا، ۱۹۷۸) در نتیجه، کانادا بر اساس رأی فوق، مسئول و به جبران خسارات وارده به ایالات متحده به سبب تخریب محیط زیست آن کشور محکوم شد.

روشن است که رأی صادره، نخستین رأی در اختلافات بین‌المللی است که یک اصل را برای حقوق محیط زیست شناسایی کرده است و در واقع بیشترین اهمیت آن به دلیل استثنایی بودن ماهیت اصل مزبور نسبت به اصل حاکمیت ملی بر منابع کشورهاست. از جمله نکات بسیار حائز اهمیت، ماهیت و جایگاه این اصل است. زیرا همچنان که در نظر دیوان ذکر شده است که اصل مورد بررسی از مبانی و قواعد حقوقی ایالات متحده و در واقع از نظام حقوقی یک تابع بین‌المللی استخراج شده و مطابق اصول بین‌المللی شناخته شده و به عرصه بین‌المللی و به طور خاص حل و فصل یک اختلاف تخصصی در روابط بین‌الملل وارد گشته است و از قضا، به دلیل نبود منبع خاص و مقررات و ماهیت ویژه و جدید آن، به راحتی مدنظر داوران بین‌المللی واقع و موثق شده است. این در حالی است که در مسائل دیگر مربوط به اختلافات زیست‌محیطی بین‌المللی بنا به اقتضا تکرار و تأکید شده است و این موضوع با وجود استثنایی بودن ماهیت این اصل در برابر اصل حاکمیت بر منابع طبیعی در میان کشورهاست. (رضانی قوام آبادی، ۱۳۸۶) در اختلاف میان انگلستان - آلبانی در ۱۹۴۶ موسوم به قضیه «کانال کورفو» که اختلاف دو کشور پیرامون عبور کشتی‌های جنگی انگلستان از کانال مزبور بوده است که به بروز سه حادثه مرگبار در سال ۱۹۴۶ منجر شد و ریشه آن مین گذاری‌های متفقین در این کانال در جنگ جهانی دوم و ادعای حاکمیتی آلبانی بود. با به وجود آمدن مناقشه در روابط دو کشور موضوع نخست، توسط انگلستان به شورای امنیت گزارش شد و شورا توصیه به اجراع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری نمود که با موافقت بعدی طرفین به دیوان ارجاع شد.

۲- اصل توسعه پایدار

در حقوق بین‌الملل محیط زیست حقوق نسل‌های آتی بشر برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی بر روی کره زمین مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است. بر این اساس تخریب محیط

زیست با توجه به تبعات منفی آن تعدی به حقوق نسل‌های آینده قلمداد می‌گردد و باید از آن اجتناب شود. حفاظت از حقوق نسل‌های آینده یکی از مفاهیم اساسی در بسیاری از اسناد بین‌المللی در زمینه محیط زیست است. از جمله در بیانیه‌های استکهلم و ریو به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. در ارائه تعریفی قابل قبول برای این حقوق می‌توان گفت حقی است که به موجب آن منافع یک نسل از لحاظ پیشرفت طبیعی میراث فرهنگی که از نسل قبلی به ارث رسیده است، به نسل آینده انتقال می‌یابد. بر اساس این حق، حفاظت از منابع طبیعی تجدید پذیر و حمایت از اکوسیستم و جریان‌های تقویت کننده حیات و علاوه بر آن حمایت از دانش بشر و فرهنگ و هنر به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود و مستلزم اجتناب از فعالیت‌های زیان آور و آثار غیر قابل جبران آن بر طبیعت و میراث فرهنگی است. (مولایی، ۱۳۸۸) اعلامیه استکهلم که نخستین پایه گذار این اصل تلقی می‌شود، در اصل اول می‌گوید: «انسان... مسئولیت خطیر حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل‌های آینده را به عهده دارد». این اصل در معاهدات گوناگون و دیگر اسناد بین‌المللی تکرار شده است، به ویژه در بند ۱ ماده ۳ در چارچوب کنوانسیون تغییرات آب و هوایی اعلام می‌کند: «اعضا باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل‌های فعلی و آینده بشر بر مبنای تساوی و طبق مسئولیت‌های مشترک ولی متفاوت و قابلیت‌های خود مورد حمایت قرار دهند». اصل ۳ اعلامیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه، حقوق نسل‌های آینده بشر را با حق توسعه مربوط می‌داند و به موجب آن می‌گوید: «حق توسعه باید مشروط به این باشد که نیازهای نسل کنونی و آینده، با توجه به توسعه و محیط زیست، به طور عادلانه مراعات شود».

«اصل توسعه پایدار»^۱ براساس گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷ عبارت است از: «آوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت‌های نسل‌های آینده به گونه‌ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتند».

رکن معنوی، ضرورت توجه به لایه بیوسفر در کل آن است و در رکن مادی، حکایت از شناسایی نتایج زوال محیط زیست در بلندمدت دارد و به موجب آن امر واجب حمایت از محیط زیست در گرو حفظ آن برای نسل آینده بشریت است. بیشتر مباحث مربوط به توسعه پایدار در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ که تدوین کننده عناصر تشکیل دهنده توسعه پایدار است، مدنظر قرار گرفته‌اند و وظیفه‌ای به همان دشواری مربوط به مباحث اصل احتیاط در حقوق بین‌المللی محیط زیست

^۱- The Principle of Sustainable Development

را مطرح می‌کنند. این اصل با قضیه موسوم به «گابچیکو ناگیماروس»، اختلاف میان مجارستان و اسواکی در محیط زیست بین‌الملل وارد شد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلاف فوق که به قضیه «سد» هم معروف است؛ تأکید نموده است که توسعه پایدار، مفهومی مصالحه‌آمیز میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است.^۱

باید گفت که در واقع اصل توسعه پایدار یک اصل پذیرفته شده و مکمل در حقوق بین‌الملل محیط زیست است به‌گونه‌ای که در دو دعوای موسوم به «گابچیکو ناگیماروس» بین مجارستان و اسواکی و «کارخانه خمیر کاغذ» میان آرژانتین و اروگوئه که تاکنون تنها دعوای محیط‌زیستی منجر به حکم در دیوان بین‌المللی دادگستری هستند، به خوبی توانسته است تعارض و اختلاف مطرح شده بین کشورهای درگیر را حل و فصل کند و از بروز تنشج و درگیری در روابط بین‌المللی جلوگیری کند. توسعه پایدار در نظر بزرگترین حقوق دانان معاصر هم جایگاه رفیعی دارد از جمله در نظریه جداگانه‌ای قاضی «ترینیداد» که در قضیه کارخانه خمیر کاغذ از توسعه پایدار به عنوان سنت ریشه دار در آمریکا لاتین به‌عنوان یک اندیشه حقوقی بین‌المللی موجود و ناظر بر نقش بی‌سروصدای اصول کلی حقوق یاد شده است و همچنین در نظر جداگانه قاضی «ویرامانتری» در قضیه گابچیکو و ناگیماروس بیان شده است که توسعه پایدار در حقیقت یکی از اصول حقوقی بین‌المللی عرفی است؛ بر همین وصف، دیوان نمی‌تواند امروزه در حقوق بین‌الملل محیط زیست از این اصل چشم‌پوشی کند. (گنجلی نژاد، ۱۳۹۴)

۳- اصل حاکمیت بر منابع طبیعی

دولت‌ها از حق حاکمیت انحصاری بر منابع طبیعی خود برخوردار هستند، اما اعمال این حق نباید سبب ورود خسارت به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها شود. حاکمیت و صلاحیت انحصاری دولت‌ها بر سرزمین خود در اصل به معنی این است که فقط آنها می‌توانند سیاست‌ها و حقوق مربوط به منابع طبیعی و محیط زیست سرزمینشان را گسترش دهند. محدوده حق حاکمیت بر منابع طبیعی عبارت است از:

^۱ - در واقع، مهم‌ترین رأی صادره و رویه ساز در خصوص اصل بررسی شده در حقوق بین‌المللی محیط زیست که البته نقشی مصالحه‌برانگیز در روابط و حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات دو کشور داشته است، رأی مذکور است. ن.ک به: قاسم زاده، روح الله، ۱۳۸۶، بررسی ابعاد حقوق محیط زیست با تأکید بر جنبه‌های پیشگیری از آلودگی محیط زیست، فصلنامه مطالعات محیط زیستی، شماره ۱۵، صص ۱۱۷-۱۱۸

- ۱- سرزمین داخل مرزها و خاک زیرین آنها
- ۲- آب‌های داخلی مثل دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و آبراه‌ها
- ۳- دریای سرزمینی و منابع بستر و زیر بستر آن
- ۴- فضای بالای خاک، آب‌های داخلی و دریای سرزمینی تا جایی که نظام حقوقی فضای بالای جو آغاز می‌شود.

همچنین دولت‌ها حقوق حاکمیت محدودتری بر مناطق دیگر شامل مناطق مجاور، نزدیک به دریای سرزمینی، فلات قاره، بستر و زیر بستر آن و منطقه انحصاری-اقتصادی دارند. (شیلتون و الکساندر، ترجمه عبداللهی، ۱۳۸۹)

غیر از این موارد، مناطقی وجود دارند که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیستند، این مناطق گاهی به مشترکات جهانی تعبیر می‌شوند و شامل دریای آزاد و بستر و زیر بستر آن، فضای ماورای جو و قطب جنوب هستند. حاکمیت بر منابع طبیعی به عنوان منشاء یک سلسله از تکالیف تفسیر شده است؛ به ویژه تکلیف استفاده پایدار و محتاطانه از منابع طبیعی، حفاظت از تنوع زیستی و حذف یا کاهش خاک، جنگل زدایی، صید بی رویه و آلودگی. اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) جزو نخستین اسنادی بود که تصریح کرد: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی باید در یک روش معتبر زیست محیطی اعمال شود و بطور صریح در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم گفته شده: «دولت‌ها طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بهره برداری از منابع طبیعی خود مطابق سیاست‌های زیست محیطی خود می‌باشند» اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم به طور کامل در ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و بند الف اصل اول اصول جنگل‌ها آمده است و اصل ۲ اعلامیه ریو (۱۹۹۲) با تغییراتی مختصر اما مفید، این مطلب را تکرار می‌کند و عبارات «سیاست‌های زیست محیطی» و «سیاست‌های محیط زیست و توسعه» را اضافه می‌کند.

این اصل در مقدمه کنوانسیون تغییرات آب و هوایی (۱۹۹۲) آمده است. پس از ذکر اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو به عنوان اسناد قابل استفاده در سطح بین‌المللی، دیوان دادگستری تعهد به این اصول را قسمتی از حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌داند. (ممتاز، ۱۹۹۶)

- ۴- اصل تعهد به همکاری و اطلاع‌رسانی و کمک در مواقع اضطراری زیست محیطی بین-

المللی

در زمینه حمایت از محیط زیست، موضوع همکاری بین‌المللی برای حفاظت از محیط

زیست یک اصل ضروری می‌باشد، به ویژه برای دولت‌ها در جهت حق اعمال صلاحیت سرزمینی در فضای خارج از قلمرو و مرزهایشان، از جمله دریاهای آزاد، منطقه قطب جنوب و یا جاهای دیگر این همکاری ضروری است. برطبق این اصل، دولت‌ها موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت برای حفاظت از محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند. در این راستا آنها باید قبل از وقوع حوادث زیست محیطی، سایر کشورها را از وجود خطرات احتمالی زیست محیطی آگاه سازند و با هدف جلوگیری از گسترش و کاهش آثار مخرب اینگونه وقایع بر محیط زیست با آنان همکاری نموده و به کشورهای در معرض خطر کمک کنند.

اصل تعهد به همکاری همه کشورهای جهان در حفاظت از محیط زیست در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله بیانیه استکهلم، بیانیه ریو، برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و آرای قضایی محاکم بین‌المللی مورد استناد قرار گرفته است. چنانکه بر اساس این اصل، دادگاه بررسی کننده قضیه مجارستان و اسلواکی اعلام داشت: اسلواکی به دلیل عدم همکاری بر اساس حسن نیت، تعهدات خود در پرتو حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. تعهد به همکاری طیف وسیعی از همکاری‌ها، از تامین منابع و فناوری لازم، برگزاری دوره‌های آموزشی تا تبادل اطلاعات و مشورت و کمک به موقع موارد اضطراری زیست محیطی را شامل می‌شود. اعلامیه استکهلم در اصل ۲۲ محدوده و موضوعات همکاری را مشخص کرده است و پس از آن تعهد دولت‌ها را به فعال کردن سازمان‌های بین‌المللی به عنوان بزرگترین نماد همکاری بین دولتها در زمینه محیط زیست بیان نموده است. اصل ۲۴ این اعلامیه نیز راهکارهایی را برای همکاری بین‌المللی پیشنهاد کرده است از جمله: انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه که البته همکاری را فقط به این راه‌ها منحصر نکرده و در ادامه، طرق مناسب دیگری که به تشخیص خود دولت‌ها گذاشته، متذکر شده است.

در این چارچوب اعلامیه استکهلم صرفاً چند اصل کلی مربوط به روند همکاری بین‌المللی را با عنوان‌های محدود بیان کرده و ترتیبی برای همکاری بین‌المللی در زمینه مبادله اطلاعات راجع به فعالیتها یا رخدادهای تازه درون محدوده‌های صلاحیت ملی که برای محیط زیست مناطق خارج از این محدوده خطرناک هستند، ندارد. اما اعلامیه ریو این خلا را پوشش داده و اصولی را به تعهد دولت‌ها به دادن اطلاع اختصاص داد و تعهد عمومی به همکاری مبنای بسیاری از تعهدات دیگر از جمله تعهد به مبادله اطلاعات، مشاوره، مذاکره و اطلاع رسانی شد. (گودرزی و شجاعیان، ۱۳۹۸) بر اساس حقوق بین‌الملل محیط زیست دخالت در امور سایر کشورها به بهانه حفاظت از محیط زیست ممنوع است. اصل اطلاع رسانی در ماده

۱۹۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز وارد گردیده و بر طبق آن، یک دولت بلافاصله پس از آگاهی از احتمال خطر قریب الوقوع یا ورود خسارت به محیط زیست دریایی موضوع را به سایر دولی که احتمال می‌دهد چنین خسارتی به آنها لطمه بزند، اطلاع خواهد داد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو اعلام داشته است که دولتها موظف هستند دول دیگر را از وجود خطرات احتمالی در سرزمینشان مطلع نمایند. بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی مثال خوبی در این زمینه است: «تمام کشورها باید به طور کامل، باز و آشکار در مبادله اطلاعات علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و حقوق مربوطه... همکاری کنند» و طبق بند ۴ همین کنوانسیون کشورهای پیشرفته باید تمامی اقدامات لازم را برای ترغیب، تسهیل و تامین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فناوری کامل و معقول زیست محیطی به سایر اعضا بویژه به کشورهای در حال توسعه و ارتقای فناوری و قابلیت‌های کشورهای در حال توسعه حمایت نمایند. در راستای سرمایه‌گذاری بین‌المللی و کمک‌های مالی در روابط بین کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه بند ۲۰ کنوانسیون تنوع زیستی مثال مناسبی برای این منظور است که به موجب آن کشورهای توسعه یافته باید منابع مالی جدید و اضافی را فراهم کنند تا کشورهای در حال توسعه بتوانند کل هزینه‌های افزون بر موارد توافق را در مورد اقدامات لازم مطابق تعهدات این کنوانسیون برآورده سازند. (ملک محمدی نوری، ۱۳۸۰)

از این رو، اصل همکاری یکی از مهمترین اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست است و بیشتر اصول و مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست بدون همکاری میان دولتها قابل اجرا نخواهد بود.

۳-۱- اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست

ضرورت حفاظت از محیط زیست از اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم، نقطه عطف اعلام اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط زیست بوده است (قاسمی، ۱۳۸۴) و طبیعی است یکی از اصول بسیرا مهم و حیاتی در حقوق بین‌الملل محیط زیست که کشورها در مقام دفاع از فعل یا ترک فعل خویش در روابط بین‌المللی بدان استناد می‌کنند، «اصل ضرورت»^۱ است. هر چند در همه اسناد بین‌المللی راجع به حمایت و حفاظت از محیط زیست، هدفها روی بخش و موضوعات معینی دور می‌زند، اما تنظیم اصول عمومی مبنی بر موجودیت بخشیدن همه الزامات در یک اصل کلی یک استثناست. یکی از متون مشخص در مورد این اصل ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها سازمان ملل متحد است که می‌گوید: «دولتها متعهد هستند

^۱- The Principle of Necessity

که از محیط زیست دریایی حمایت و محافظت نمایند». البته این التزام صرفاً مربوط به یک بخش از محیط زیست است. هر چند در بردارنده اصل کلی قابل توجه مبنی بر شمول همه مناطق دریایی است اعم از آن بخش از دریای سرزمینی که در انحصار صلاحیت دولت ساحلی است و آن قسمت از مناطق مشترک مانند دریا‌های آزاد و یا حتی میراث مشترک بشریت مانند منابع کانی بستر دریا را شامل می‌شود.

کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) در خصوص تنوع گونه‌های زیستی در ماده ۶، فهرست اقدامات کلی را که باید در جهت حفاظت و استفاده معقولانه از منابع زیستی اتخاذ شود، در بردارد. از آن جمله: راهبردهای توسعه معقولانه را در تکمیل طرح‌ها یا برنامه‌ها تا آنجا که امکانپذیر و مناسب باشد در جهت حمایت و استفاده معقولانه از تنوع گونه‌های زیستی در طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های بخشی و فرابخشی به طور مناسب اعمال می‌کند. در حوزه‌های مختلف دیگر در چارچوب کنوانسیون ۱۹۹۲ تغییرات آب و هوایی در بند ۱ ماده ۳ اعلام می‌کند که: اعضا باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل‌های فعلی و آتی بشر مورد حمایت قرار دهند و در ماده ۴ تعهدات جزئی‌تری را برای طرفین پیمان معین می‌کند. تعریف رسمی از اصطلاحات حفاظت و نگهداری وجود ندارد، اما هر دو در ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها به کار رفته‌اند که به صراحت معنی شان با هم فرق می‌کند. آنچه از کلمه حفاظت می‌توان دریافت، در بردارنده یک اصل کلی است که شامل هر دو این تعابیر می‌شود؛ از جمله خودداری از اعمال زیان آور و اتخاذ اقدامات مثبت برای مراقبت در حدی که به خرابی محیط زیست منتهی نشود. در مفهوم عام حفاظت شامل طرح جامع اکولوژیکی و مدیریت مربوط به آن به انضمام قوانین پایه‌ای، روبه‌ها و سازمان‌های ذیربط در مقیاس ملی می‌شود. آنچه از اصطلاح نگهداری تداعی می‌شود، مراقبت طولانی‌تر با در نظر گرفتن حقوق و منافع نسل‌های آینده است و اینکه برای چه اشخاصی باید از منابع طبیعی حفاظت شود استراتژی حفاظت جهانی که در سال ۱۹۸۰ به وسیله «اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی جهان» مهیا شد، یک طرح عملیاتی را به حکومت‌ها توصیه می‌کند و برقراری اصل محافظت را بیان می‌کند که اهداف آن عبارت است از:

- بقای چرخه اکولوژیکی و پشتیبانی از سیستم حیات

- حفظ تنوع ژنتیکی

- دستیابی به بهره‌برداری از انواع گونه‌ها و اکوسیستم‌ها.

این اصل، برای نخستین بار در یک اختلاف محیط زیستی در عرصه بین‌المللی بین مجارستان و اسلواکی یا همان قضیه "گابچیکو ناگیماروس" مدنظر یک مرجع قضایی بین‌المللی یعنی دیوان

دادگستری بین‌المللی واقع شد و در زمره رویه محیط زیست بین‌المللی قرار گرفت. دلیل طرح اصل فوق در دعوای مذکور، اختلاف دو کشور طرف دعوا برای احداث سد بر روی رودخانه دانوب بود که کشور مجارستان با استناد به اصل مزبور برای ضرورت جلوگیری از تخریب محیط زیست منطقه و البته فشار افکار عمومی اقدام به فسخ قرارداد منعقد شده با اسلواکی (چکسلواکی) نمود و در قضیه مطروحه با طرح دعوای اسلواکی مواجه شده بود. به هر حال، دیوان، بسیار دقیق به این اصل می‌نگرد و به جنبه استثنایی آن توجه وافر دارد، به طوری که ضمن بیان حکم به اینکه ضرورت باید مبتنی بر شرایط بسیار دقیق و متعددی باشد که دولت ذینفع به تنهایی قادر به تشخیص آن نیست، به شدت بر روی نظریات ذهنی متکی بر مفهوم ضرورت تأکید داشته و اجرای معاهدات را از سیطره منافع ملی خارج کرده است. (DUNC, 1972) همچنین، در دیدگاه دیوان به منظور آنکه اقدام دولتی از منظر اصل ضرورت توجیه پذیر باشد، باید اقدام آن دولت تنها ابزار برای حفاظت از منفعت اساسی دولت مورد نظر (مجارستان) در قبال خطر قریب الوقوع و شدید باشد و هم چنین عمل آن دولت، عامل ایجاد آن خطر نباشد و عمل مذکور نباید به طور جدی به منافع دولت دیگر لطمه وارد نماید (وکل فیلیپ، ۱۳۸۱) در قضیه سد، دیوان مجارستان را در ایجاد خطر دخیل دانست. بنابراین دیوان، با قبول و تصدیق اصل ضرورت در مسائل زیست محیطی و عرفی شناختن آن، اما جایگاه این اصل را جایگاهی محدود و استثنایی دانسته و وجود آن را دلیل نقض سایر تعهدات نمی‌داند.

۳-۲- اصل پیشگیری^۱

ضوابط و مقررات زیست محیطی باید علل نابودی محیط زیست را پیش بینی کرده و از آن جلوگیری کنند. وقتی که تهدیدهای جدی و خساراتی غیر قابل جبران وجود دارد، عدم تشخیص کامل این تهدیدها نباید دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابط جلوگیری از تباهی زیست محیطی باشد. تجربه و عقیده متخصصان ثابت می‌کند که اصل جلوگیری برای محیط زیست چه از جنبه اکولوژیکی و چه از لحاظ اقتصادی به عنوان «قاعده طلایی» به حساب می‌آید. چون غالباً جبران آسیب‌های وارد شده به محیط زیست غیر ممکن است. این آسیب‌های جبران ناپذیر عبارتند از: انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی، فرسایش خاک یا حتی تخلیه مواد آلوده کننده پر دوام در داخل دریا که وضعیت‌های غیر قابل برگشتنی ایجاد می‌کنند. حتی اگر خسارت وارد شده قابل جبران باشد، هزینه‌های احیاء بسیار گران و پرهزینه است. به طور تقریبی

^۱- The Principle of Prevention.

همه اسناد حقوق بین‌الملل محیط زیست اصل جلوگیری از تخریب محیط زیست را به عنوان یک حقیقت، واقعیت بخشیده‌اند که بیشتر آنها راجع به آلودگی دریاها، آب‌های داخلی، هوا یا حفاظت از منابع زنده است و فقط تعداد کمی سند بین‌المللی، راه‌های دیگر حفاظت محیط زیست از جمله اصل سنتی مسئولیت دولت در جهت همکاری مستقیم با قربانیان تجاوز به محیط زیست را مورد توجه قرار داده‌اند. اصل جلوگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن ارزیابی پیامدهای جامانده از فعالیت‌های انجام یافته است. پیش از آغاز فعالیت یا طرحی که ممکن است آثار زیانبار زیست محیطی در خور توجه به بار آورد، باید آثار زیست محیطی که از اجرای طرح مذکور حاصل می‌شود، ارزیابی شود تا توسعه طرح، حداقل زیان‌های جانبی را داشته باشد و پایداری را تضمین کند. بنابراین ارزیابی زیست محیطی به منزله انجام دادن طرح‌ها و تدوین راهکارهای لازم برای کاهش زیان‌های جانبی حاصل از اجرای طرح‌ها کمک کرده و در مجموع امتیاز اجرای طرح را بیشتر می‌کند.

مطابق ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها: «هر گاه دولت‌ها دلایلی منطقی در دست داشته باشند حاکی از اینکه فعالیت‌هایی که تحت صلاحیت یا نظارت آنها برنامه ریزی شده است، موجب آلودگی شدید محیط زیست دریایی گردد یا تغییرات اساسی و زیان آوری در آن به وجود آورده باشد، باید تا حدی که عملی باشد، اثرات بالقوه این فعالیت‌ها را بر محیط زیست ارزیابی کرده و گزارش‌های مربوط به نتایج این ارزیابی‌ها را برای اعضاء ارسال دارند». در اعلامیه ریو اصل ۱۷، تعریفی از ارزیابی آثار زیست محیطی را ارائه کرده است. اصل جلوگیری تکلیف می‌کند که هر دولتی در به کار گرفتن مقررات باید سعی کند که بر مبنای عمل منصفانه و به درستی و در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو و نظارت وی، روی بخش محیط زیست زیان‌آور نباشد. اصل عدم سوء استفاده به عنوان یک وظیفه مطلق در جلوگیری از همه زیان‌ها تاکید دارد، اما الزامی که بر دولتها در جهت ممنوعیت فعالیت‌ها اشاره دارد، وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید در محیط زیست گردد. برای نمونه تخلیه فضولات سمی به داخل یک دریاچه بین‌المللی که بر اساس ضرر وارد شده از نتایج فعالیت‌های مجاز، باید به حداقل رسانده شود یا به عنوان مثال، اعمال محدودیت در مورد تخلیه دی اکسید سولفور در هوا موثر است. این اصل نخستین بار به شکل نتیجه‌ای منطقی تلویحاً، استفاده غیر زیان بار از «اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین» در اختلاف معروف ایالات متحده و کانادا، در رویه قضایی بین‌المللی به عنوان اختلافی مهم در روابط بین‌الملل مطرح شد و در آن به کانادا توصیه شد که در آینده هم باید از ورود خسارات ناشی از انتشار دود به قلمرو واشنگتن پرهیز نماید

و در واقع تعهدی مستمر را پیش بینی نمود. اصل پیشگیری تکلیف می‌کند دولت‌ها در به کار گرفتن مقررات «باید سعی کنند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به درستی در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو نظارت و کنترل وی، روی بخش محیط زیست زیان آور نباشد. این اصل یک وظیفه مطلق را در بر می‌گیرد، اما الزام دولت‌ها در جهت این ممنوعیت‌ها وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید در محیط زیست گردد. به هر حال تحقق اصل استفاده غیر زیان بار در گرو و مستلزم اقدامات پیشگیرانه است. دیوان در قضیه سد، اصل پیشگیری را به با توجه به ویژگی غیرقابل جبران تخریب و خسارات وارده بر محیط زیست بین‌المللی، اصلی اجباری قمداد کرده است، اما توجه دیوان به اصل پیشگیری در قضیه کارخانه خمیر کاغذ نشان از اهمیت روزافزون این اصل در روابط بین‌الملل و محیط زیست بین‌المللی دارد؛ زیرا، دیوان به شکل ویژه درصدد تأکید بر آن و عرفی تلقی نمودن این اصل برآمده است که ناشی از روبه و اعتقاد حقوقی ایجاد شده در آرای بین‌المللی همچون رأی دیوان در قضیه کانال کورفو و سد است، اما نکته بسیار مهم این است که دیوان، تحقق و نیل به این اصل را به گونه‌ای مطلق در قضیه کارخانه خمیر ذکر کرده است؛ زیرا برای حمایت از اصل پیشگیری و تضمین آن، اشعار داشته است که پیشگیری تنها از خلال کمیسیون مزبور کافی نبوده و بر تعهد دولت‌ها در تصویب و اجرای قوانین ملی در راستای این اصل نیز تأکید دارد.

۴- اصل احتیاطی

در جهت دستیابی به توسعه پایدار، سیاست‌ها باید بر اساس «اصل عمل احتیاطی»^۱ بنا شود. در زمانی که هنوز اصل جلوگیری آثار اساسی خود را بر کل مقررات حفاظت محیط زیست به جای نگذاشته بود، اصل احتیاطی مورد توجه قرار گرفت و بیش از آن توسعه یافت. این اصل را می‌توان از جمله ملاحظات و یکی از مهمترین ابتکارات ریو تلقی نمود. برابر با نص ماده ۱۵ کنوانسیون ریو، اصل احتیاط بدین گونه تعریف شده است:

«برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیرقابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط زیست گردد». اشاره به دولت‌ها، جهانی بودن شمول اجرای اصل را می‌رساند و توجه به توان هر دولتی، نشانگر مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌هاست. در بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون

^۱ -The Principle of precaution.

تغییرات آب و هوایی روند پیچیده مذاکرات منعکس شده است؛ طرف‌های معاهده بهتر است ضوابط احتیاطی را برای پیش‌بینی، جلوگیری یا به حداقل رساندن تغییرات آب و هوایی و کاهش آثار نامطلوب آن تهیه کنند که این ضوابط باید با کمترین هزینه ممکن به نفع همه جهانیان باشد. مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی اشاره می‌کند که فقدان قطعیت علمی کامل نباید به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن ضوابطی برای اجتناب یا به حداقل رساندن تهدیدات مهم در جهت کاهش تنوع زیستی بدون ارجاع به یک رهیافت احتیاطی استفاده شود. سوالی که در طول مذاکرات مربوط به کنوانسیون وین در مورد حفاظت از لایه اوزون و کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در مورد این اصل مطرح شد، این بود که چه نوع خطری برای به بار آوردن مسئولیت پیشگیری از ضرر لازم است؟ پاسخ به این سوال می‌تواند از ابهام مفهوم عمل احتیاطی بکاهد. به نظر می‌رسد، نخست اینکه ضرر باید مربوط به آینده و قابل پیش‌بینی باشد و نه فعلی و حتمی. در بررسی وقوع خطر، «قابلیت پیش‌بینی منطقی» و «اهمیت خطر» دو مؤلفه‌ای هستند که باید در اعمال اصل احتیاطی در نظر گرفته شود. نتیجه‌ای که از این اصل می‌توان گرفت این است که دولت‌ها تنها وقتی می‌توانند کاری انجام دهند که نشان دهند سبب ورود ضرر غیر قابل قبول به محیط زیست نخواهد شد. هرچند این تفسیر و نتیجه‌گیری از اصل مورد بحث در جهت محدود کردن حاکمیت کشورهاست؛ اما بانک جهانی در ارزیابی طرح‌های مختلف برای «دادن وام» عملاً از آن پیروی کرده است. به همین ترتیب از این اصل حتی در مورد خسارت غیر قابل اثبات زیست محیطی مثل ایجاد شکاف در لایه اوزون فقط با استناد به اهمیت خطر، می‌توان خواستار اقدامات جبرانی شد و بار اثبات بی‌خطر بودن فعالیت را به عهده طرف مقابل (مدعی علیه) نهاد.^۱ اصل احتیاط در هر دو اختلاف زیست محیطی ارجاعی به دیوان بین‌المللی دادگستری در ادعاهای طرفین و در حکم نهایی مورد توجه بوده است؛ ولی هرگز به دلیل ماهیت نامتقن آن مورد وثوق جدی مانند اصل پیشگیری واقع نشده است. این اصل که در راستای اصل پیشگیری مطرح بوده است؛ درصدد بیان تعهد پیشگیرانه است. تعهدی که «بایرن و بویل»^۲ آن را به شکل «حفاظت و کنترل فعالانه» بیان می‌کنند. پیامد پذیرش این اصل، به عنوان قاعده حقوقی، جابجایی بار اثبات دعوا است؛ بدین معنی که

^۱ - به عنوان مثال در مساله باران اسیدی آمریکای شمالی، به هنگامی که کانادا پیشنهاد کرد که ایالات متحده طبق حقوق بین‌الملل اقدامات جبرانی انجام دهد، دولت ایالات متحده از «عدم تشخیص علمی» به اضافه «قابل رفع بودن» انتشار آلودگی به عنوان دلایلی برای رد درخواست کانادا استفاده کرد.

^۲ - Birnie and Boyle

در هرگونه اقدام مشکوک در ارتباط با محیط زیست، اقدام کننده باید به هر طریقی اثبات نماید که اقدام وی برای محیط زیست خطرناک نیست. اعتبار این اصل از جهت اینکه آیا قاعده‌ای عرفی است یا خیر به شدت مورد نزاع و تردید است و شاید به همین دلیل است که دیوان نسبت به شناسایی این اصل به عنوان قاعده‌ای عرفی بسیار محافظه کارانه عمل کرده است. به هر روی آنچه در خصوص این اصل روشن است، این است که این اصل، از حقوق داخلی پای به حقوق بین‌الملل گذارده و در واقع یک اصل کلی بین‌المللی تلقی می‌شود و در حقیقت این همان نقطه افتراقی است که بین این اصل و اصل عرفی پیشگیری وجود دارد. این اصل هرچند در هر دو پرونده زیست محیطی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری یعنی رأی گابچیکو - ناگیماروس و کارخانه خمیر کاغذ، مورد حکم واقع شده‌اند؛ اما می‌توان گفت که درباره آن قدری مسامحه و سکوت شده است؛ زیرا علت وجود این اصل مبتنی بر وجود یک خطر است که از نظر علمی نمی‌توان به طور قاطع و متیقن آن را به اثبات رساند. اصل مزبور ماهیتاً یک مرحله نزدیک تر به خطر زیست محیطی نسبت به مرحله پیشگیری است و بدیهی به نظر می‌رسد که وقتی دیوان اصل پیشگیری که اصلی پذیرفته تر و با اتقان بیشتری نسبت به اصل احتیاط است را با دلایل و مستندات قابل توجهی مبنی بر عدم نقض آن از سوی اروگوئه در اختلاف موسوم به کارخانه خمیر رد نماید، در این رأی نسبت به اصل احتیاط اظهار نظری نکند. (موسوی، ۱۳۹۴)

۵- اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده کننده محیط زیست

بر اساس این اصل هزینه رفع آلودگی باید از سوی آلوده کننده آن پرداخت شود. این اصل از یک سو حق دیگران در برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر نوعی اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از تخریب محیط زیست به شمار می‌رود. اصل الزام به پرداخت غرامت از سوی آلوده کننده محیط زیست بابت خسارت وارد شده، اولین بار از سوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مطرح شد. امروزه این اصل در معاهدات و سایر اسناد مهم بین‌المللی و رویه قضایی مورد استناد قرار گرفته و به عرف بین‌المللی تبدیل شده است. اصل ۱۶ اعلامیه ریو با تاکید بر منافع عمومی و همچنین اشاره به اینکه اصولاً آلوده کننده محیط زیست باید هزینه‌های رفع آن را بپردازد، از دولت‌ها می‌خواهد تا اصل مذکور را مورد توجه قرار دهند. (فیتزماورسی، ۲۰۰۹) در فصل ۲۰ دستور کار ۲۱ نیز از دولت‌ها خواسته شده است تا در سیاست‌های داخلی خود به ویژه در ارتباط با زباله‌های خطرناک به این مساله

توجه داشته باشند.

این اصل از زمان طرح مسئولیت مدنی افراد در معاهدات بین‌المللی در خصوص حوادث هسته‌ای و نفتی که بر اساس آن افراد در برابر فعالیت‌هایی که منجر به تخریب محیط زیست می‌گردد، دارای مسئولیت مدنی می‌باشند، وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست گردید؛ هر چند قبل از آن، این موضوع در احکام دیوان‌های بین‌المللی مورد استناد قرار گرفته بود. بر همین اساس دیوان دآوری اسملتر، کانادا را به علت آلوده کردن محیط زیست آمریکا مسئول شناخت و اعلام داشت که آن کشور باید غرامت خسارت وارد شده به محیط زیست آمریکا را بپردازد. در مورد اخیر مسئولیت کانادا یک مسئولیت ناشی از خطر بود که ناشی از انجام فعالیت‌هایی است که در حقوق بین‌الملل منع نشده است و نه مسئولیت ناشی از خطا که نتیجه نقض یک تعهد الزام آور بین‌المللی مطرح می‌گردد. امروزه این نوع مسئولیت به یک قاعده عرفی بین‌المللی تبدیل شده است. در اجرای این اصل، شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان مرجع صالح بین‌المللی در زمینه حفظ صلح و امنیت جهانی، عراق را به خاطر تخریب محیط زیست در جریان حمله به کویت مسئول دانست و آن کشور را موظف نمود تا غرامت خسارات وارد شده به محیط زیست کویت و سایر کشورهای همسایه، از جمله جمهوری اسلامی ایران را بپردازد و میزان خسارت وارد شده به محیط زیست منطقه از سوی کشورهای آسیب دیده، ارزیابی و به اطلاع کمیته غرامت شورای امنیت رسید، کمیته مذکور تاکنون بخشی از غرامات مربوط را پرداخت کرده است.

۶- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در معاهدات زیست محیطی

این اصل، برای نخستین بار در مقدمه اعلامیه استکهلم آمده است. اعلامیه استکهلم در عین اینکه وضعیت جهان امروز را به طور خلاصه بیان کرده است، وظایفی متفاوت برای هر کدام از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پیش‌بینی کرده که با وجود متفاوت بودن، به نتیجه واحد یعنی حفظ محیط زیست منتهی می‌شود و از آنجا که به در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی در روند توسعه اشاره شده، در واقع می‌توان گفت هدف نهایی اعلامیه استکهلم رساندن کشورهای شمال و کشورهای جنوب از دو راه متفاوت به توسعه پایدار است. بر اساس این اصل، همه دولت‌های جهان به طور مشترک مسئولیت دارند تا از تخریب محیط زیست پیشگیری نموده و از آن حفاظت و حمایت به عمل آورند. با وجود این ولی رغم تساوی حاکمیت دولت‌ها، مسئولیت کشورها باید متناسب با امکانات و توانایی‌های آنها و برابر با نقشی باشد

که آنها در تخریب محیط زیست داشته‌اند. برای حل مسائل زیست محیطی در این اصل با دو نوع مسئولیت مواجه می‌باشیم که نخست، مسئولیت کشورهای پیشرفته است که عمدتاً بر پایه نقش تاریخی آنها در آلودگی محیط زیست می‌باشد؛^۱ دومی، مسئولیت کشورهای در حال توسعه که بیشتر با تخریب محیط زیست از سوی این کشورها در سال‌های اخیر همراه می‌باشد. البته این مسئولیت از حیث دیگری نیز متفاوت است؛ به دلیل تفاوت وضعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته ضوابط فنی هم که باید برای رسیدن به توسعه پایدار اتخاذ کنند، با هم متفاوت می‌باشد.^۲

این اصل که از اصل تساوی حقوق و اصل انصاف در حقوق بین‌الملل نشأت گرفته، بر این اساس استوار است که اصل انصاف حکم می‌کند دولت‌های توسعه یافته که بیشترین نقش را در آلوده سازی و تخریب محیط زیست داشته‌اند و از امکانات و توانایی‌های بیشتری نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردار هستند، در حفاظت از آن نیز مسئولیت سنگین‌تری به عهده بگیرند. بر همین اساس، کشورهای در حال توسعه نیز به تناسب نقش کمتر آنها در تخریب محیط زیست کره زمین، مسئولیت سبک‌تری بر عهده دارند و نیازها و شرایط این جوامع نیز باید مدنظر قرار گیرد. (خواجه پیری، ۱۳۸۰)

۷- اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط زیست

«مشارکت عمومی»^۳ مبتنی بر این است که هر صدایی شنیده شود. به عبارت دیگر در مشارکت، اشخاص قادرند در اموری مختلف مداخله کنند که با سرنوشت ایشان مرتبط است. در سایه مشارکت مسئولانه تمامی بازیگران می‌توان مقدمات مسئولیت فردی و جمعی را سامان داد و گامی موثر در حوزه مورد نظر مشارکت عمومی برداشت. بنابراین، مشارکت عمومی در

^۱ - کشورهای پیشرفته باید کشورهای در حال توسعه را از دو جنبه یاری دهند؛ تأمین منابع مالی و انتقال فن آوری لازم برای دستیابی به توسعه پایدار.

^۲ - اصل ۷ و ۱۱ اعلامیه ریو گویای همین مطلب است به طوری که اصل ۱۱ بیان می‌کند: «استانداردهای مربوط به محیط زیست باید منعکس‌کننده چارچوب محیط زیست و توسعه ای باشد که به آن مربوط می‌شود».

به موجب اصل ۷ اعلامیه ریو: «کشورها باید با روح مشارکت جهانی برای نگه داری، حمایت و احیای تمامیت و سلامت زیست بوم کره زمین با هم همکاری کنند. کشورها با نگاهی به سهم متفاوتشان در تخریب محیط زیست جهانی، مسئولیت مشترک ولی متفاوتی دراند. کشورهای توسعه یافته مسئولیتی را که در زمینه پیگیری بین‌المللی توسعه پایدار دارند، با توجه به فشارهای جوامع خویش بر محیط زیست جهانی و فن‌آوری‌ها و منابع خود بر عهده گرفته‌اند». ن.ک به:

گودرزی، ساسان و خدیجه شجاعیان، ۱۳۹۸، منبع پیشین، ص ۵۹۷.

^۳ - مفهوم مشارکت عمومی در بردارنده حقی است که هر یک از افراد براساس آن آزادانه در اداره امور عمومی و مدیریت سیاسی شرکت می‌کنند.

حوزه‌هایی گوناگون متصور است و به همین سبب اسناد متعددی در این خصوص تدوین شده است که عبارت است از مشارکت عمومی در اسناد حقوق بشری و اسناد زیست محیطی. اعلامیه جهانی حقوق بشر به همراه میثاقین، منشور بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند و به عنوان مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشری محسوب می‌گردند. این اسناد مشتمل بر مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که افراد و دولت‌ها را مورد توجه و خطاب قرار می‌دهد. منشور بین‌المللی حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱۲، میثاق حقوق مدنی و سیاسی ماده ۲۵ و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماده ۱، به طور مستقیم موضوع مشارکت عمومی را پیش بینی کرده است، ولی در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر خلاف دو سند دیگر به صورت عام‌تری به این مهم توجه می‌کند و آن را در قالب حق تعیین سرنوشت مطرح می‌کند. مطابق ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیم و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید». این ماده زیربنای مشارکت عمومی در اسناد حقوق بشری را تشکیل می‌دهد و به همین دلیل در دیگر اسناد بین‌المللی منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر مثل اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر ماده ۲۰ و منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ماده ۱۳ به صورت مشابهی پیش بینی شده است.

نتیجه‌گیری

باید اذعان داشت که حمایت کیفری از محیط زیست هنوز بسیار محدود بوده و اساساً در قلمرو اتحادیه اروپا فعلاً لام الاجراست. از مهمترین مراجع حقوقی در زمینه محیط زیست که در شرح و بسط و ورود اصول مربوط به صحنه بین‌الملل مؤثر بوده‌اند، دیوان داوری بین ایالات متحده آمریکا و کانادا موسوم به قضیه «تریل اسملتر»^۱، دیوان داوری مربوط به اختلاف اسپانیا و فرانسه به نام قضیه «دریاچه لانو»^۲ و دعاوی «گابچیکوو ناگیماروس»^۳ اختلاف بین مجارستان و اسواکی و «کارخانه خمیر کاغذ»^۴ بین آرژانتین و اروگوئه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری هستند که دو اختلاف اخیر، تنها دعاوی ترافیعی منجر به حکم در مراجع مزبورند. در پرونده‌های فوق، اصول اساسی و بنیادینی شناسایی شده‌اند که نقش بسیار ارزنده‌ای در حقوق بین-

1- Trail smelter.

2- Lake Lanoux.

3- Gabcikovo-Nagymaros

4- Pulp Milles(Factories)

الملل محیط زیست و البته حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات این حوزه و جلوگیری از ظهور جنگ و توسل به زور در عرصه روابط بین‌الملل داشته است. به طور خاص، دیوان بین‌المللی دادگستری هرچند، وظیفه تدوین مقررات بین‌المللی را ندارد و از طرفی آرای صادره از مرجع مذکور در مرحله صدور حکم، ماهیتی نسبی (طرفینی) را داراست، نقشی توسعه‌ای در اعلام و معرفی اصول کاربردی در حقوق محیط زیست بین‌الملل دارد؛ این نقش قابل انکار نیست. باید توجه کرد که اعتماد کامل شرط اساسی در روابط بین دولتها تلقی می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در حوزه آثار برون مرزی فعالیت‌های معین دارد. اصل ۲۷ اعلامیه ریو مبتنی بر تعهد کلی و عمومی دولتها در همکاری برای رسیدن به توسعه پایدار است.



منابع فارسی

کتاب

- دینا شیلتون، الکساندر کیس (۱۳۸۹)، کتابچه قضایی محیط زیست، تحقیق و ترجمه محسن عبداللهی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات توسعه قضایی
- خواجه پیری، عباس (۱۳۸۰)، حقوق مدنی ۴، موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، تهران، انتشارات المهدی

- قاسمی، ناصر (۱۳۸۴)، حقوق کیفری محیط زیست، تهران، انتشارات جمال الحق
- گنجعلی نژاد، منیژه (۱۳۹۴)، ریزگردها و الزامات حقوقی دولتها، تهران، انتشارات خرسندی
- موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۸۵)، سیر تحولات حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران، انتشارات میزان

- مولایی، آیت (۱۳۸۸)، مبانی و اصول توسعه پایدار زیست محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه حقوق محیط زیست، نظریه و رویه‌ها، چاپ نخست، تهران، انتشارات دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط زیست
- ملک محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۸۰)، درآمدی بر حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات شیرازه

مقالات

- رضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۸۶)، نگاهی به اصل استفاده غیر زیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط زیست، مجله علوم محیطی، سال چهارم، شماره ۴
- ساسان گودرزی، خدیجه شجاعیان (۱۳۹۸)، مسئولیت بین‌المللی دولتها در مقابله با ریزگردها، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال دوم، شماره ۴

- سیدفضل‌الله موسوی، سیدحسین حسینی و سیدحسین موسوی فر (۱۳۹۴)، اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۴۸

- موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۹۴)، اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۴۸

- وکل، فیلیپ (۱۳۸۱)، همسویی معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی در پرتو رأی ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۷ دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به طرح گابچیگو ناگیماروس (مجارستان - اسلواکی)، ترجمه علی هنجنی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶

پایان نامه

- دادیار، عقيله (۱۳۸۹)، رویه بین‌المللی حل و فصل اختلافات زیست محیطی با تأکید بر قضیه گابچیکو ناگیماروس، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- هشیدایی امناب، محسن (۱۳۸۹)، رویکرد نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خسارت‌های زیست محیطی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

English References

- Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 1972, Ar5
- Fitzmaurice, Malgosia (2009), **Contemporary Issues in International Environmental Law**, UK, London, Edward Elgar
- R.I.A.A (1978), **Trail Smelter Case** (United States of America vs. Canada)

